

تحلیلی بر مفهوم آیه موَدّت و رابطه آن با أجر حضرت ابراهیم علیه السلام

* حسن عباسی

** محمدباقر حجتی

چکیده

آیه موَدّت از آیات عقیدتی بسیار مهم و اختلافی میان تفاسیر فریقین است. بسیاری از مفسران اهل سنت و برخی از تفاسیر شیعه به جهت اعتقاد به عدم درخواست أجر دنیوی از سوی انبیاء گذشته، درخواست أجر برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را بعید دانسته‌اند. به نظر می‌رسد تفاسیر فریقین از توجه به سیاق حاکم در داستان حضرت ابراهیم که آیین حنیف را مقدم و دین اسلام را تالی آن می‌داند، غفلت ورزیده‌اند؛ زیرا در آن داستان خدای متعال درخواست امامت از سوی آن حضرت بر ذریّه خود در آخر الزمان را اجابت نموده و از امامت اعطایی به ذریّه آن حضرت با عنوان أجر دنیوی و حسنه یاد کرده است، حسنه‌ای که خدای سبحان در آیه موَدّت، مصادیق آن را اهل بیت نبوت و رسالت از ذریّه حضرت ابراهیم علیه السلام در وهله نخست و عترت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مرحله بعد معرفی فرموده است. با اِثْنَاذ چنین رویکردی و با بررسی مفهومی واژه‌های أجر، القربی و سیاق حاکم بر آیه موَدّت، می‌توان اختلاف‌های اساسی میان فریقین در مسئله خلافت بعد از پیامبر (ص) را پایان داد.

واژگان کلیدی

آیه موَدّت، أجر دنیوی، القربی، حضرت ابراهیم علیه السلام.

*. دانش آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول).

religanaz82@gmail.com

** استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۳

تبیین مسئله

مسئله درخواست یا عدم درخواست اجر از سوی انبیاء به ویژه در آیه مودت: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (شوری / ۲۳) از مهم ترین مسائل مورد اختلاف مفسران فریقین به شمار می آید؛ چراکه متقدمان و متأخران از مفسران فریقین در تفسیر آیه مودت به دنبال دفاع از رأیی بوده اند که با مواضع کلامی مذهب خود بیشترین سازگاری را داشته باشد، نتیجه چنین تفسیر پیش داورانه موجب ارائه حدود پنج رأی مختلف، در تفسیر آیه مودت شده است. به نظر می رسد مفسران فریقین با رویکرد تقطیعی به آیه مودت از توجه به سیاق مجموعه آیات اجر رسالت و رابطه آن آیات با اجر دنیوی حضرت ابراهیم علیه السلام غفلت ورزیده اند، از این رو نگارندگان در مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی است که چه رابطه ای میان آیین حنیف و دین اسلام برقرار است؟ چرا خدای متعال از میان انبیاء گذشته صرفاً برای حضرت ابراهیم علیه السلام اجر دنیوی قرار داده است؟ آیا میان اجر در آیه مودت با دعاهای حضرت ابراهیم برای امامت ذریه خودش و اجر دنیوی و حسنه اعطایی خدا در اجابت دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام برای ذریه خود در آخرالزمان رابطه ای وجود دارد؟

با بررسی سیر تطور تفاسیر و کتب و مقالات فریقین، از صدر اسلام تاکنون چنین به نظر می رسد که مفسران و دانشمندان فریقین نسبت به وجود رابطه مقدم و تالی آیین حنیف با دین اسلام به خصوص در آیه مودت سخنی نگفته و در پی آن از دقت در سیاق و ادبیات حاکم بر داستان و دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان پدر ادیان توحیدی برای امت آخرالزمان و پیوند عمیق آیه مودت با امامان معصوم از ذریه آن حضرت غفلت ورزیده اند و در مواردی که مثلاً حرف «فی» و «الا» «القربی» در آیه مودت با نظر انتخابی آنان ناسازگار بوده، به جای دقت در دیگر آیات قرآنی، آن را از معنای حقیقی «ظرفیت»، «استثنای متصل» و «امامان معصوم از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام» خارج نموده و به معنای مجازی «سببیت»، «استثنای منقطع»، «تقرب به خدا» و غیره تأویل نموده و در برخی موارد نیز به نسخ آیه مودت حکم داده اند. نگارندگان در نوشته حاضر درصدد بیان دلایل و مستندات هستند که بیان کننده میزان پیوند میان آیه مودت با اجر دنیوی اعطایی از سوی خدای متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام هست. به نظر می رسد در صورت اثبات این نظر، می توان اصلی ترین مفهوم آیه مودت را به دست آورده و به ارائه ششمین نظر در ذیل آیه مودت پرداخت.

بررسی آراء تفاسیر فریقین در مورد مفهوم و مصداق آیه مودت

تفاسیر فریقین از صدر اسلام تاکنون در تفسیر آیه مودت به خصوص عبارت «القربی» تحت تأثیر

پیش فرض‌های کلامی و شرایط اجتماعی و سیاسی، آراء مختلفی را ابراز نموده‌اند که به نظر می‌رسد با سیاق و فضای آموزه‌های قرآنی ناسازگار بوده و هر یک از آنها، از جنبه‌های مختلف دارای ضعف و قوت بوده و نیاز به نقد و واکاوی با نگرشی جدید دارند. آراء موجود عبارت‌اند از:

یک. مودت قریش به پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت خویشاوندی با آن حضرت

بیشتر تفاسیر اهل سنت در بررسی مفهوم و مصداق «القربی» در آیه مودت رأی فوق را انتخاب نموده‌اند. نگارندگان به جهت رعایت اختصار، خوانندگان را به مطالعه تفاسیر و مقالات زیادی که به نقد این نظر اقدام نموده‌اند، ارجاع می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۶۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۳۳۷ - ۳۳۶؛ عابدی، ۱۳۸۷: ۶۵ - ۶۲؛ حاجی اسماعیلی و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۴ / ۵۷ - ۵۶؛ بابایی، ۱۳۸۰: ۶۷ - ۶۶؛ مروتی و زرگوش نسب، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

دو. نسخ آیه مودت با آیات نفی درخواست اجزاز سوی انبیاء گذشته

برخی دیگر از تفاسیر فریقین بعد از انتخاب نظر مودت قریش به پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت خویشاوندی با آن حضرت در تفسیر آیه مودت و «القربی»، معتقدند که آیه مودت با آیات مربوط به نفی درخواست اجر برای انبیای گذشته نسخ گردیده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۶؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۵۸؛ آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱ / ۷۵۷؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۷۵۳) ولی ثعلبی در *الکشف و البیان و بغوی در معالم التنزیل* از مفسران اهل سنت در نقد نظریه نسخ گفته‌اند که این دیدگاه، قوی نیست و این آیه نمی‌تواند منسوخ باشد؛ زیرا تقرب به خدا با طاعت او و مودت پیامبر و اهل بیت او نسخ بردار نیستند. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۴۵)

در نقد و بررسی نظریه نسخ آیه مودت باید گفت، همه آیاتی که از آنها به‌عنوان ناسخ یاد گردیده است، مکی هستند ولی آیه مودت مدنی است. (آریان فر، ۱۳۸۵: ۱۷۳) اگرچه در تفاسیر از سوره شوری به‌عنوان سوره مکی یاد شده است، ولی بر اساس روایت ابن عباس، چهار آیه از آن از: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» تا سه آیه بعد از آن مدنی هستند. همچنین قولی از مقاتل نقل شده مبنی بر اینکه آیات ۲۳ - ۲۲ مدنی هستند. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۳۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳ / ۱۱) بر فرض صحت ادعای فوق، روایات اخیر، تخصیص‌زننده قول عامی هستند که سوره شوری را مکی می‌داند. از سوی دیگر نسخ ادعایی در آیه مودت دارای معارض بوده و اصلاً نسخی در میان نیست؛ زیرا برخلاف ادعای طرف‌داران نسخ، از میان انبیاء گذشته، حضرت ابراهیم علیه السلام دارای اجر دنیوی است: «... وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (عنکبوت / ۲۷) از این رو خدای متعال به‌طور صریح با اختصاص

اجر دنیوی برای حضرت ابراهیم علیه السلام، اجر موجود در آیه مودت را نه تنها تأیید، بلکه تأکید و تقویت می‌نماید. در ادامه همین مقاله این ادعا به طور مفصل تبیین می‌گردد.

۱. تقرب به خدای متعال با طاعت و عمل صالح

از میان مکاتب و جریان‌های تفسیری، اکثر تفاسیر عرفانی در تفسیر آیه مودت و در بررسی مفهوم «القریبی» آن را به مفهوم تقرب به خدا با طاعت و عمل صالح تفسیر کرده‌اند. (تستری، ۱۴۲۳: ۱۴۰؛ سلمی، ۱۳۶۹: ۱۸۱؛ قشیری، بی‌تا: ۳ / ۳۵۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۹ / ۱۹) کتب و مقالات متعددی در رد و نقد نظر فوق سخن رانده‌اند که به جهت رعایت اختصار، خوانندگان به مطالعه آن منابع دعوت می‌شوند. (حائری، ۱۳۸۱: ۱ / ۱۴۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۶۶۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۴؛ بابایی، ۱۳۸۰: ۶۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۴۶ - ۴۵)

۲. لزوم صله رحم مسلمانان با خویشاوندان خود

این رأی صرفاً در لابه‌لای تفاسیر اهل سنت به‌عنوان یکی از احتمالات ذکر شده است، ولی هیچ‌یک از تفاسیر اهل سنت آن را به‌عنوان نظر انتخابی خود گزینش ننموده‌اند. در نقد نظر فوق باید گفت، اجر رسالت در این نیست که هر کسی خویشان خود را دوست بدارد، زیرا؛ یک. این (دوستی)، احتیاج به سفارش نداشته و نوعاً مردم خویشان خود را تا زمانی که دشمنی فراهم نیامده، دوست دارند. دو. این (نوع دوستی)، هیچ تناسبی با اجر رسالت ندارد. سه. بیشتر خویشان مسلمانان - در آن موقع -، کافران و مشرکان بوده‌اند و قرآن کریم از دوستی آنان نهی نموده است. (مجادله / ۲۲) چهار. آنچه نسبت به خویشان (فی الجملة) امر شده، مواصلت و کمک است، اما اینکه انسان مرکز دوستی خود را خویشاوند قرار دهد، مورد امر نیست.

۳. دوستی و مودت نسبت به اهل بیت و عترت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

اکثر قریب به اتفاق تفاسیر شیعه و برخی از تفاسیر اهل سنت نظر فوق را در تفسیر آیه مودت و واژه «القریبی» انتخاب و گزینش نموده‌اند که برخی از مهم‌ترین تفاسیر اهل سنت عبارت‌اند از: تفسیر *شواهد التنزیل* از حاکم حسکانی (قرن پنجم هجری)، تفسیر *الکشف و البیان* از ثعلبی نیشابوری (قرن پنجم هجری)، تفسیر *الکشاف* از جارالله زمخشری (قرن ششم)، تفسیر *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن* از محمد بن مسعود بغوی (قرن ششم)، تفسیر *کبیر (مفاتیح الغیب)* از فخر رازی (قرن ششم)، تفسیر *انوار التنزیل و اسرار التاویل* از عبدالله بن عمر بیضاوی (قرن هفتم)، تفسیر *بحر المحیط فی التفسیر* از ابوحنیفان

محمد بن یوسف اندلسی (قرن هشتم)، تفسیر *روح البیان* از اسماعیل بروسوی (قرن دوازدهم)، تفسیر *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم* از سید محمود آلوسی (قرن سیزدهم).

در بررسی نظر فوق باید گفت که هر یک از تفاسیر شیعه و اهل سنت که نظر مودت فوق را گزینش نموده‌اند، آیه مودت را به صورت مجزا و تقطیعی تفسیر نموده و از توجه به سیاق آیات اجر رسالت و در رأس آن پیوند اجر در آیه مودت با اجر دنیوی حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه: «... وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا...» (عنکبوت / ۲۷) غفلت نموده‌اند و به جای اینکه در تفسیر آیه مودت به آیات مربوط به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و دعا‌های آن حضرت بر امامت ذریه خود در آخرالزمان استناد نمایند، در بیشتر موارد با تمسک به برخی روایات، به دنبال اثبات مفهوم و مصادیق «القربی» در مورد اهل بیت علیهم السلام هستند، حال آنکه مخالفان نظر فوق نیز برای اثبات عقیده خود به روایاتی استناد می‌کنند که ضعیف و گاهی مجعول هستند، ولی به جهت تعصب به عقیده خود از توجه به نقاط ضعف احادیث استنادی طفره می‌روند.

ب) قاعده سیاق؛ اثبات‌کننده پیوند آیه مودت با اجر دنیوی حضرت ابراهیم علیه السلام

یکی از قواعد مهم در تفسیر، توجه به بافت و سیاق آیات است. «سیاق» از نظر ساختاری مصدر به معنای «سوق» و «مساق» و به معنای ترغیب به راندن حیوان از پشت سراسر است. سیاق کلام به معنای شیوه و اسلوب آن است. (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۱ / ۱۹۴۲) اما در اصطلاح سیاق عبارت از: ساختار کلی که اجزای گوناگون کلام را به هم پیوند داده آن را پیوسته، مترابط و متناسب با یکدیگر می‌سازد و باعث ظهور معنای مراد می‌شود. (رجبی و دیگران، ۱۳۸۳: ۹۲) از سیاق آیات به عنوان یکی از قرائن متصله در فهم کلام استفاده می‌شود، تا معنای آیات در ضمن سیاق آنها دانسته شود. پس توجه به سیاق و تناسب بین فصول قرآن و مجموعه‌های آیات در فهم موضوعات و اهداف قرآن بسیار ضروری است. فخر رازی و زمخشری از مفسران پیشین و علامه طباطبایی از معاصرین، بیش از سایرین به جایگاه مختلف سیاق در تفسیر قرآن کریم توجه داشته‌اند.

از کاربردها و نقش‌های سیاق در تفسیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ تفسیر لغت، وسعت و ضیق کلمات، تعیین معنای جمله، ترکیب مواد، ترتیب نزول آیات، نقد اسباب نزول، شناخت آیات مکی و مدنی، نقد احادیث تفسیری، تعیین مرجع ضمیر، فهم کلمه یا جمله محذوف، تعیین مصداق کلمه و ترجیح و تعیین یکی از دو قرائت. حجیت دلالت سیاق و اصل قرینه بودن آن، یکی از اصول عقلایی محاوره است که همه زبان‌ها به تأثیر چشمگیر آن در تعیین معنای واژه‌ها تصریح کرده‌اند.

(زرکشی، ۱۴۱۰: ۲ / ۲۰۰)

یک. سیاق واژه «اجر»؛ دال بر پیوند مقدم و تالی آیین حنیف با دین اسلام

در مورد مفهوم واژه اجر به روش سیاق کلمات باید گفت، کلمه اجر با سائر صیغه‌های آن ۱۱۰ بار در قرآن کریم آمده است. اجر و اجرت، مزد و پاداشی است که در قبال انجام و اتمام «کار» - دنیوی یا اخروی - از کارفرما گرفته می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۴۳) البته بین اجر و اجرت این تفاوت وجود دارد که اجر برای پاداش دنیوی و اخروی هر دو به کار می‌رود، اما اجرت فقط به پاداش‌های دنیوی تعلق می‌گیرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۶۴) در قرآن مجید به ثواب آخرت و دنیا هر دو اطلاق شده است. (نحل / ۴۱؛ عنکبوت / ۲۷) و نیز به مهریه زنان در آیه: «وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء / ۲۵) اجر گفته شده است. (انیس و دیگران، بی تا: ۷) راغب اصفهانی تصریح می‌کند که اجر فقط در مزد عمل خوب استعمال می‌شود برخلاف جزاء که در عمل خوب و بد هر دو استعمال می‌شود، ناگفته نماند در تمام آیات قرآن کریم، اجر در مقابل عمل نیک استعمال شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۵)

پس اجر؛ اولاً؛ در مورد کار نیک به کار می‌رود. ثانیاً؛ پاداشی است که کننده کار بعد از اتمام آن کار، استحقاق آن را پیدا می‌کند و پرداخت آن به عهده کارفرما است. برخلاف جزا که اعم از پاداش و کیفر، به هر دو اطلاق می‌شود، چنانچه در قرآن کریم به هر دو معنا اشاره شده است. (انسان / ۱۲؛ انبیاء / ۲۹) بر اساس قاعده سیاق کلمات، واژه «اجر» اشاره به درخواست اجر و پاداش پیامبر ﷺ از مؤمنان در قبال هدایت آنان دارد که به سود خود مومنان است نه مشرکان؛ چراکه مشرکان تبلیغ پیامبر ﷺ را مخالف عقاید خود می‌دانستند.

در بررسی مفهوم آیه مودت به روش سیاق آیات و سیاق قرآنی باید گفت، بی تردید پیامبران خدا هر یک در برهه‌هایی از زمان، مسئولیت خطیر نبوت را برای تبلیغ رسالت الهی بر عهده داشته‌اند و در راه هدایت انسان‌ها رنج‌های فراوانی متحمل شده‌اند. با توجه به نکته فوق، این سؤال مطرح می‌شود که پیامبران الهی در برابر آن همه رنج در راه هدایت مردم چه پاداشی از مردم توقع داشته‌اند؟ آیات قرآنی در پاسخ به سؤال فوق به سه بخش تقسیم می‌شوند:

بخش یکم: در مجموع آیات نفی درخواست اجر از سوی انبیاء، ده آیه وجود دارد که هرگونه درخواست اجری را از جانب انبیاء گذشته نفی می‌کنند. (انعام / ۹۰؛ یونس / ۷۲؛ هود / ۲۹، ۵۱؛ شعرا / ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰؛ یس / ۲۱)

بخش دوم: آیاتی که دربرگیرنده درخواست اجر از سوی حضرت ابراهیم ﷺ است، آیاتی هستند که خدای متعال در آنها برخلاف سایر انبیاء، اجر دنیوی به حضرت ابراهیم ﷺ عطا فرموده است: «... آتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا...» (عنکبوت / ۲۷) «وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً...» (نحل / ۱۲۲) «... لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا...»

(بقره / ۱۳۰) در سه آیه فوق، خدای سبحان برگزیده شدن حضرت ابراهیم علیه السلام و ذریه اش به رسالت و امامت را حسنه و اجر دنیوی اعطایی به حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی می‌کند که خدا در اجابت به درخواست‌های آن حضرت برای امامت ذریه خود در آخرالزمان عطا فرموده است. (بقره / ۱۲۴؛ صافات / ۷۸ - ۷۷؛ زخرف / ۲۸؛ شعرا / ۸۴) در نهایت در آیه مودت مصداق حسنه اعطایی به حضرت ابراهیم علیه السلام، مودت و تبعیت عملی مؤمنان همه جهانیان از امامان معصوم از ذریه آن حضرت در آخرالزمان معرفی شده است؛ مودتی که خدای متعال بر ثواب کسب‌کننده آن حسنه می‌افزاید: «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا...» (شوری / ۲۳)

به عبارت دیگر از میان ادیان ابراهیمی، تنها دین اسلام بنا به درخواست حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام به عنوان مکمل آیین حنیف (بقره / ۱۲۹) در آخرالزمان به ظهور رسیده و تا دنیا باقی است آیین حضرت ابراهیم و دین اسلام را برگزیده و روی گردانندگان از آن را نادان خطاب نموده است. (بقره / ۱۳۰؛ حج / ۷۸) و ادعای یهودیان و مسیحیان مبنی بر یهودی یا نصرانی بودن حضرت ابراهیم علیه السلام را تکذیب نموده و آن حضرت را حنیف و مسلمان معرفی می‌کند. (آل عمران / ۶۷)؛ چراکه خداوند با توجه به تطابق دین اسلام و آیین حنیف با فطرت انسانی مقرر فرموده که بسیاری از مأموریت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام توسط ذریه اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اتمام و اکمال گشته و آن را به مردمان آخرالزمان ابلاغ فرماید. در نهایت نیز رسالت حضرت ابراهیم علیه السلام با امامت ائمه دوازده‌گانه از ذریه آن حضرت تداوم یافته و با ظهور آخرین آنان؛ یعنی حضرت حجة بن الحسن علیه السلام، آخرین وعده الهی مبنی بر غلبه دین اسلام بر ادیان دیگر با امامت امام زمان علیه السلام بر انسان‌های کل دنیا محقق گردد. (آل عمران / ۶۸؛ نساء / ۱۲۵؛ انعام / ۱۶۱؛ نحل / ۱۲۳). لذا آن حضرت در روز غدیر خم امامت حضرت علی علیه السلام را به همه مسلمانان معرفی فرمود؛ چراکه رسالت و دین خداوند (دین اسلام) زمانی کامل می‌شد که امامی از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام برای امت آخرالزمان معرفی می‌گشت.

بخش سوم: از سیاق آیات مربوط به عدم درخواست اجر از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین برمی‌آید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اولاً: از درخواست هر گونه اجر مادی از مردم اجتناب ورزیده است. (طور / ۴۰؛ قلم / ۴۶) ثانیاً: با توجه به اینکه مخاطب دین اسلام، همه جهانیان تا قیام قیامت هستند نه فقط مردم عرب آن زمان، بر این اساس آن حضرت در ابتدای حضور خود در مکه و بخشی از زمان حاکمیت آن حضرت در مدینه که هنوز قرآن به طور کامل نازل نشده و دین اسلام گسترش نیافته بود، از درخواست اجر از مردم عرب امتناع می‌ورزیدند. (یوسف / ۱۰۴؛ انعام / ۹۰) در نهایت در اواخر حیات خود به دستور خدای متعال اعلام می‌دارد که چون دین اسلام مایه هدایت همه جهانیان است، شما را به تکلف نمی‌اندازد و

حتماً محتوای خبر درخواست اجری که به سود جویندگان راه حق است، بعداً اعلام می‌دارد و در نهایت در اواخر حیات خود، محتوای آن خبر را مودت و تبعیت مؤمنان از اهل بیت و امامان معصوم از ذریه آن حضرت معرفی می‌کند. (ص / ۸۸- ۸۶؛ فرقان / ۵۷؛ سبأ / ۴۷؛ شوری / ۲۳)

دو. بررسی پیوند میان آیات درخواست اجر رسالت از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله

بر اساس تقسیم‌بندی آیات اجر رسالت به سه بخش فوق، باید گفت که آیات اجر در دو بخش اخیر از یک فرآیند و سیر منطقی از نوع مقدم و تالی تبعیت می‌کنند و با کنار هم گذاشتن آنها تعارض ظاهری‌شان برطرف می‌شود؛ چراکه همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، آیین حنیف حضرت ابراهیم علیه السلام به‌عنوان پدر ادیان توحیدی توسط دین اسلام تکمیل گشته و عمل بر دین اسلام به‌عنوان مکمل آیین حنیف به تدریج بر همه جهانیان از زمان بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله واجب گشته است: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا...» (حج / ۷۸) در نهایت با ظهور منجی آخرالزمان صلی الله علیه و آله انسان‌های کره زمین به دین اسلام گرویده و دین اسلام بر همه ادیان چیره می‌گردد. (نصر / ۲؛ اسراء / ۸۱- ۸۰؛ کهف / ۹۸- ۸۳؛ صف / ۹) به عبارت دیگر مشیت و اراده خدا بر این بوده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مأمور به ابلاغ وعده الهی برای اجابت دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیات: ۱۲۵- ۱۲۴ سوره بقره و ۸۴ سوره شعرا و ۲۸ سوره زخرف نموده است؛ دعاهایی که در آیات ۲۷ سوره عنکبوت، ۱۲۲ سوره نحل، ۷۳ سوره انبیاء، ۲۳ سوره شوری و ۵۰ سوره مریم به اجابت رسیده است. حضرت محمد صلی الله علیه و آله موظف بود که زمینه‌های عمل به محتویات آیین حنیف و دین اسلام را برای مؤمنان خواهان سبیل‌الله از کل دنیا فراهم فرماید. از این رو خدای متعال فرآیند درخواست اجر در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله را این‌گونه ذکر می‌فرماید که بگو من از شما هیچ اجر و پاداشی نمی‌خواهم، و در صورت درخواست اجر از شما مردم عرب، در آن صورت به مشقت و تکلف می‌افتید؛ چراکه این قرآن (دین اسلام یا امامت) مایه تذکر و هدایت جهانیان است نه فقط شما مردم عرب، به یقین اخبار مربوط به درخواست اجر از جهانیان بعد از مدتی می‌آید. لذا از شما به تنهایی هیچ اجر و پاداشی را نمی‌خواهم. (یوسف / ۱۰۴؛ ص / ۸۸- ۸۶) در مرحله دوم در آیه ۵۷ سوره فرقان می‌فرماید: بگو من از کسانی اجر و پاداش می‌خواهم که به دنبال راهی برای رسیدن به خدا هستند. آنگاه در مرحله سوم در آیه ۴۷ سوره سبأ می‌فرماید: اگر از شما درخواست اجر می‌نمایم نفع و سود آن اجر به خود شما برمی‌گردد و شما را در مسیر صراط الهی قرار می‌دهد و اجر و پاداش من بر خدا است. در نهایت در آیه مودت (شوری / ۲۳) می‌فرماید: ای پیامبر به مؤمنان بشارت بده که از شما هیچ اجر و پاداشی را نمی‌خواهم؛ مگر مودت در حق اهل بیت و خویشاوندانم را...».

با بررسی بخش نخست و آیات مربوط به نفی درخواست اجر از سوی انبیاء گذشته (یس، ۲۱؛ شعرا / ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰؛ یونس / ۷۲؛ هود / ۲۹، ۵۱) و بخش دوم و سوم که مربوط به درخواست اجر از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، چنین برداشت می‌شود که آیات بخش یکم؛ اولاً؛ هر گونه پاداش مادی برای انبیای گذشته را رد می‌کنند. ثانیاً؛ عدم درخواست اجر از سوی انبیا گذشته، به این دلیل بوده است که شریعت و آیین آنان با رحلتشان و با بعثت پیامبر بعدی نسخ گردیده و شریعتی متناسب با مقتضیات زمانی انسان‌های بعدی نازل می‌گردید. هر پیامبری موظف بود رسالت خود را بدون کم‌وکاست تبلیغ نماید و تکلیف آیندگان با پیامبران بعدی بوده است، ولی با توجه به وجود پیوند مقدم و تالی میان آیین حنیف و دین اسلام درحقیقت این دو آیین، یک دین کامل محسوب می‌شوند که مؤمنان جویای سبیل‌الله، با عمل بر آموزه‌های آن به صراط‌مستقیم نائل می‌گردند.

بنابراین میان آیات نفی درخواست اجر برای انبیاء با آیات متضمن درخواست اجر برای حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ تناقضی دیده نمی‌شود که مجبور به تأویل واژه‌های «الا» و «فی» در «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری / ۲۳) و اراده معانی مجازی «انقطاع در «الا» و معنای سببیت در حرف «فی» شد و سبب نزول آیه مودت را مکی دانست. پس بر اساس سیاق آیات مربوط به اجر، اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مؤمنانی که به دنبال راهی برای رسیدن به خدای متعال بعد از رحلت آن حضرت بودند، مودت القربی را به‌عنوان اجری که سود آن هم به خود مؤمنان برمی‌گردد، طلب نموده است، به این جهت بوده که وی برای جامه عمل پوشاندن بر دعای حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا در مورد نصب امام از ذریه آن حضرت در آخرالزمان، موظف بود که نیاز پیروان خود در بعد عملی و طریقتی دین اسلام به امامان و اسوه‌ها را با معرفی تک‌تک آن حضرات معصومین علیهم السلام به‌عنوان هادیان و جانشینان بعد از خود، مسلمانان را از سرگردانی نجات دهد، از این‌رو در صورت عدم معرفی هادیان امت از سوی آن حضرت، رسالت و مأموریت آن حضرت عقیم و ناتمام باقی می‌ماند، بنابراین خدای متعال اتمام و اكمال ابلاغ رسالت آن حضرت را منوط و مشروط به معرفی اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام علی علیه السلام به‌عنوان جانشینان و اتمام‌کنندگان رسالت الهی نموده است. (مائده / ۳ و ۶۷) تا مشمول اجر و پاداش تام الهی با اتمام نعمت بر خود گردد. (طباطبایی / ۱۴۱۷ / ۵ / ۱۹۵)

سه. سیاق آیات قبل و بعد آیه مودت؛ دال بر امامت امامی مأذون از سوی خدا

به تواتر از مفسران فریقین نقل شده است که سوره شوری مکی است، به جز آیات ۲۳ تا ۲۶ که مدنی است و بعد از حجة الوداع نازل گردیده و از لحاظ معنا پیوند و تناسب مفهومی وثیقی با آیات قبل از

خود؛ یعنی آیات ۲۲- ۲۱ سوره شوری دارند؛ زیرا خدای متعال در آیه ۲۱ سوره شوری به تهدید مدعیان شراکت در خلافت الهی در آیین و دین اسلام می‌پردازد:

آیا برای آنان شریکانی است که در آنچه خدا بدان اجازه نداده، برایشان بنیاد آیینی نهاده‌اند؟ و اگر فرمان قاطع [درباره تأخیر عذاب در کار] نبود، مسلماً میانشان داوری می‌شد و برای ستمکاران شکنجه‌ای پردرد است. [در قیامت] ستمگران را از آنچه انجام داده‌اند، هراسناک می‌بینی و [جزای عملشان] به آنان خواهد رسید و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌های بهشتند. آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان خواهند داشت این است همان فضل عظیم. این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان خودم.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است. آیا می‌گویند: «بر خدا دروغی بسته است؟» پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می‌نهد و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پابرجا می‌کند. اوست که به راز دل‌ها داناست. و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و از گناهان درمی‌گذرد و آنچه می‌کنید می‌داند. و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش به آنان زیاده می‌دهد، و [لی] برای کافران عذاب سختی خواهد بود. (شوری / ۲۶- ۲۱)

نکاتی که از سیاق آیات قبل و بعد آیه مودت مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از:

۱. عبارت: «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ» بر اساس سیاق آیات قرینه‌ای است مبنی بر اینکه آیه مودت به خلافت و امامت بعد از رحلت پیامبر ﷺ اختصاص دارد و موده القربی درمانی برای درد اختلاف در تشریح و قانون بشری و دعوت به وحدت است، بر اساس حدیث سفینه که متواتر میان شیعه و اهل سنت است، (طبرانی، بی‌تا: ۳ / ۴۶؛ ۱۲ / ۲۷) آیه مودت، تضمین‌کننده اطاعت است. پس اگر حب‌الله نبود، اطاعت خدا برای بنده میسر نمی‌بود و اگر حب‌الرسول نباشد، تبعیت از رسول خدا ﷺ بر مسلمانان آسان نمی‌گردد (آل عمران / ۳۱) و اگر حب آل‌الرسول نبود، تمسک به سیره و سنت آنان بر مؤمنان آسان نیست. (شوری / ۲۳) محبت و مودت، در واقع هماهنگی و انسجام روحی و روانی است که میان دو شخص ایجاد می‌شود و این نوع دوستی، پیروی مشتاقانه و بدون تکلف نسبت به دوست را مقتضی است. در حدیث منقول از امام باقر ﷺ آمده است: «و هل الدین إلا الحب». (کلینی، ۱۴۲۹: ۸ / ۸۰). بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ امر به اطاعت و

رهبری شرعی که در اهل بیت علیهم السلام به عنوان سبل الله تبلور یافته است، می‌کند. (نساء / ۵۹ و ۸۳) سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: «النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق، وأهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف في الدين» (تستری، ۱۴۰۹: ۲۹۶ / ۹ - ۲۹۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۴۹) و حدیث ثقلین نیز به این مطلب اجماع دارد. اینها روایاتی هستند که به حد استفاضه در کتاب‌های تفسیر و حدیث و تاریخ در تبیین فضیلت محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام وارد شده است؛ زیرا درجه محبت بیشتر و بزرگ‌تر از اطاعت است. پس گاهی تو شخصی را با کراهت پیروی می‌کنی، ولی هنگامی که او را دوست می‌داری، اطاعت تو از او آسان‌تر و بهتر است. آیا ندیده‌ای که خدا چگونه برترین بندگانش را توصیف می‌کند؟ به اینکه آنها خدا را دوست می‌دارند و خداوند نیز آنان را دوست دارد. (مائده / ۵۴) پس حبّ الله برترین درجه ایمان است و حبّ الرسول و اهل بیت او از برترین درجات از جهت تسلیم به حق و تمسک به حبّ الله می‌باشند و در نتیجه تمسک به اهل بیت علیهم السلام برترین تضمین برای ایجاد وحدت است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۳۴۳) وحدتی که در سیاق مربوط به آیه مودت از آن به فضل کبیر و حسنه‌ای یاد شده که شایسته است دوستداران آنان دارای حسنه‌ای چند برابر باشند.

۲. سیاق عبارت: «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ» همچون مفهوم واژه «اجر» اشاره دارد به اینکه آیات ۲۶ - ۲۳ سوره شوری در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از بازگشت از حجة الوداع در مدینه نازل شده است و به دستور خدای متعال پیامبر صلی الله علیه و آله آن آیات را بعد از دو آیه ۲۱ و ۲۲ سوره شوری که صراحت در خلافت الهی دارد، جای داده است؛ زیرا مسئله خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول آیه ۳۰ سوره زمر: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» مطرح می‌شود، بنابراین سبب نزولی را که حویزی در تفسیر **نورالتقلین** ذیل آیه مودت نقل نموده است، با سیاق آیه سازگاری بیشتری دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

بعد از رجوع حضرت رسول صلی الله علیه و آله از حجة الوداع به مدینه، انصار خدمت حضرت عرض کردند: ای رسول خدا به درستی که خدا سخن بسیار نیکویی فرمود به ما از تشریف آوردن شما و از ورود شما فرج داد بر دوستان ما و سرنگون نمود دشمنان ما را و از حال به بعد بسیار بر شما وارد شوند و مال زیاد ندارید تا بتوانید از عهده مخارج آنان برآید، پس دشمنان بر شما شماتت کنند، آیا میل دارید ثلث مال خود را به شما تملیک نماییم تا بتوانید عطا نمایید به کسانی که از مکه می‌آیند؟ حضرت جواب نفرمود، انتظار وحی داشت، جبرئیل آمد و آیه مودت را نازل فرمود. (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱ / ۴۱۷؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۵۷۳)

و مردم مدینه درحالی که راضی و مطیع فرمان خدا در مودت به اهل بیت از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خارج شدند، منافقان گفتند: این چه آیه‌ای است که خدا به محمد صلی الله علیه و آله نازل فرموده است و آن حضرت با

بلند نمودن دست پسرعمویش از ما چه می خواهد؟ و از حمل نمودن اهل بیتش بر دوش ما چه هدفی دارد؟ دیروز می گوید: «من كنت مولاه فعلى مولاه» و امروز می گوید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «به خدا قسم به آیه مودت جز هفت نفر (سلمان، ابوذر، عمار، مقداد بن اسود کندی و جابر بن عبدالله انصاری و مولی رسول الله که گفته می شود بیت نام داشت و زید بن ارقم)، کس دیگری عمل ننمود». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۷۵ - ۳۷۳) در این حال بود که آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا...» نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را دنبال انصار فرستاد و آنان را فراخوانده و آیه فوق را بر آنان قرائت نمود، همگی شرمند شده و شروع به گریه نمودند. ابن عباس گوید: چون این آیه نازل شد، اهل افترا از اندیشه ناصواب خود پشیمان شده به دست و پای حضرت افتادند و گفتند ما گواهی می دهیم که تو راست گویی و ما توبه کردیم. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۸ / ۲۱۷) از این رو خدای متعال به دنبال آن، آیه: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ...» (شوری / ۲۵) را نازل فرمود، حضرت باز به سراغ انصار فرستاده به آنان بشارت داد که خدا دعای مؤمنان را اجابت می کند: «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا...» و مؤمنان همان افراد بودند که تسلیم گفتار حضرتش شدند.

ج) «القربى»: امامان معصوم از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام در آخرالزمان

واژه «قربى» به طور کلی ۱۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است و همه جا با «ذو» همراه است؛ جز آیه مودت که فقط «القربى» آمده است. «قربى» از واژه «قرب» است و «قرب» نقیض «بُعد» است. قرب الشیء؛ یعنی نزدیکی به آن و «القرباه» و «القربى» نزدیکی در نسب و خویشاوندی رحمی است. قربى در اصل مصدر است و معنای «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری، ۲۳) این است که خویشاوندان مرا دوست بدار. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۸۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۴۲؛ انیس و دیگران، بی تا: ۲ / ۷۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۸؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۷ - ۵ / ۲۳۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۴۱) صاحب *مصباح المنیر* گفته است که قرب دارای معانی مختلف است: قرب مکانی، قرب منزلتی، قرب خویشاوندی و فامیلی. (فیومی، ۱۴۰۵: ۲ - ۱ / ۲۹۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۹۳) و «ذی القربى» یا «ذوی القربى» که ریشه همه آنها «قرب» است در همه استعمالات خود در آیات قرآن به معنای فامیل و نزدیکان آمده است.

در مورد معنای الف و لام در «القربى» در آیه مودت، دو نظر وجود دارد:

نظر یکم. بنابر نظر نحویان، کوفیان و برخی از بصریان و بسیاری از متأخران الف و لام در بعضی مواقع به نیابت از ضمیر مضاف الیه می آید و برای این قاعده آیه: «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» (نازعات / ۴۱) را مثال آورده اند که در تقدیر «فان الجنة هي ماواه» است. (سیوطی، ۱۴۲۰: ۱ / ۴۷۹؛ ابن هشام انصاری،

۱۳۷۸: ۱ / ۷۷) در آیه مودت نیز ظاهراً الف و لام در «القربی» عوض از مضاف الیه است و تقدیر آن «قربای» است؛ یعنی از شما برای تبلیغ رسالت مژدی نمی‌خواهم مگر دوستی خویشان و اهل قرابت را. (قرشی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۹۵)

نظر دوم. الف و لام در «القربی» از نوع الف و لام عهد است (بابایی، ۱۳۸۰: ۴۸ / ۶۴) بر اساس این معنا منظور از القربی؛ اهل قربی است که در این حالت مضاف (اهل) محذوف است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۲۰؛ بروسوی، ۱۴۰۵: ۸ / ۳۱۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۶ / ۲۱۸)

با توجه به نظر صاحب *مصباح المنیر* در مورد مفهوم قرب و لحاظ قرابت منزلتی و مکانتی در «القربی» نظر زمخشری در مفهوم الف و لام در القربی صحیح به نظر می‌رسد؛ زیرا اولاً در صورت قبول نظر یکم در مورد الف و لام «القربی» (بدل از مضاف الیه) و لحاظ مطلق خویشاوندان نسبی، در آن صورت امثال ابوجهل و غیره شامل القربی می‌شوند که چنین تفسیری با آیات قرآنی (مجادله / ۲۴؛ توبه / ۲۲) و به طور کلی با روح اسلام مبنی بر قتال با مشرکان اعم از مشرکان خویشاوند و بیگانه تناسبی ندارد. ثانیاً. نگارندگان معتقد است که القربی در آیه مودت مترادف با اهل البیت در آیه تطهیر است و مصادیق «اهل» محذوف در القربی؛ همان اهل بیت نبوت و رسالت مورد تأکید زیارت جامعه کبیره می‌باشند؛ زیرا «القربی» در تمامی موارد استعمالی خود در قرآن کریم پیوسته همراه با «ذو» به کار رفته است که به مفهوم صاحبان رابطه خویشاوندی نسبی و سببی بدون لحاظ قرابت روحی و معنوی و اخلاقی است، به جز آیه مودت که در آن، «القربی» بدون «ذو» به کار رفته است. در «القربی» صرف قرابت معنوی و روحی معهود و ملحوظ است. بر این اساس، خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز بر اساس آیه تطهیر و آیه مباحله و حدیث کساء، در زمره اهل بیت قرار می‌گیرد؛ چراکه در حقیقت آیه مودت در اجابت دعاهای حضرت ابراهیم بر امامت ذریه خود در آخرالزمان نازل شده است؛ همان ذریه‌ای که از جمیع جهات وراثتی، روحی، اخلاقی و ایمانی (اخلاص و عصمت و عدم ترک اولی و ظلم) با آن حضرت، قرابت دارند، از این رو الف و لام «البیت» در «اهل البیت» نیز همچون «القربی» در دو آیه زیر از نوع الف و لام عهد است که در هر دو استعمال منظور از آن، ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشند. نخستین کاربرد قرآنی آن در آیه ۷۳ سوره هود: «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» است که منظور فرزندان و ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام در زمان حیات آن حضرت می‌باشند و دومین استعمال آن نیز در آیه ۳۳ سوره احزاب: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ذکر گردیده است که در مورد پنج تن آل عبا از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام در آخرالزمان یعنی؛ حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیه السلام نازل شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۴۱۲)

نتیجه

با بررسی مفهوم آیه مودت به ویژه «القربی» نتایج و یافته‌های زیر به دست آمد:
هر یک از آراء چهارگانه در مورد مصادیق «القربی» در تفاسیر فریقین با سیاق آیه مودت ناسازگار بوده و پنجمین رأی نیز هرچند صحیح است، ولی در شیوه تحلیل دارای اشکالات است.
منظور از اجر در آیه مودت همان اجر دنیوی و حسنه اعطاشده از سوی خدای متعال برای حضرت ابراهیم علیه السلام است.

از میان تمامی انبیا فقط حضرت ابراهیم علیه السلام دارای اجر دنیوی است.
منظور از «القربی» امامان معصوم از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام از جانب فرزندش حضرت اسماعیل است، از این رو انبیا از ذریه حضرت اسحاق و نیز فرزندان غیر معصوم و زنان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نمی‌توانند از مصادیق آیه مودت قرار بگیرند.
بر اساس بررسی سیاق آیات، آیه مودت در اواخر عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از حجة الوداع و در موضوع تعیین تکلیف جانشینی و خلافت اسلامی نازل شده است. از این رو این آیه مدنی است.
بر اساس ادبیات و سیاق قرآنی داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، آیات مربوط به درخواست اجر از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام و درخواست ظاهری اجر از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله از یک فرآیند و ترتیب منطقی تبعیت می‌کنند که مطالعه آن فرآیند، تناقض ظاهری آیات مربوط به درخواست اجر با آیات مربوط به نفی درخواست اجر از سوی سایر انبیا را بر طرف می‌نماید.
الف ولام در «القربی» از نوع الف ولام عهد و به نیابت از مضاف محذوف (اهل) است که بر اساس آیه مباحله و حدیث کساء و زیارت جامعه کبیره، اهل بیت نبوت و رسالت هستند که مصادیق اولیه آن پنج تن آل عبا مذکور در آیه تطهیر است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

-قرآن کریم

- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، ۱۴۰۸ ق، تیسیرالکریم الرحمن، ج ۱، بیروت، مکتبة النهضة العربیه.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۳، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۵، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، ج ۱۱، بیروت، دارالفکر و دار صادر.
- ابن هشام انصاری، جمال الدین، ۱۳۷۸، *معنی اللیب عن کتب الاعراب*، قم، سیدالشهداء.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، ج ۹، بیروت، دارالفکر.
- انیس، ابراهیم و دیگران، بی تا، *المعجم الوسیط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بروسوی، اسماعیل، ۱۴۰۵ ق، *روح البیان*، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر التستری*، تحقیق محمد باسل عیون السود، ج ۹، بیروت، منشورات محمد علی بیضون / دارالکتب العلمیة.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، ۱۴۱۶ ق، *المستدرک الصحیحین*، تحقیق، یوسف مرعشی، ج ۳، بیروت، دار المعرفه.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، ج ۱۱، تهران، میقات.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، ج ۱، دمشق و بیروت، دار العلم و الدار الشامیة.
- رجبی، محمود و دیگران، ۱۳۸۳، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زرکش، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ ق، *البرهان فی علوم قرآن*، ج ۲، بیروت، دار المعرفه.
- زمخشری، جارالله محمود، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل*، ج ۴، بیروت، دارالکتب العربی.
- سلمی، محمد بن حسین، ۱۳۶۹، *حقائق التفسیر*، تحقیق نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ج ۶، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- _____، ۱۴۰۷ ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۸- ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶ ق، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۲، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عابدی، فداحسین، ۱۳۸۷، *سیمای اهل بیت در آیه مودت از دیدگاه شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب.
- فیض کاشانی، محمد حسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، ج ۴، تهران، صدر.

- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵ ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، ج ۲- ۱، قم، دار الهجره.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱: *قاموس قرآن*، ج ۵- ۱، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۲۰۰۰ م، *لطائف الاشارات*، تحقیق ابراهیم بسیونی، ج ۳، قاهره، الهیئه المصریه العامه للكتاب.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج ۶، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- _____، ۱۴۲۳ ق، *زبده التفاسیر*، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، ج ۸، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *الکافی*، تصحیح دار الحدیث، ج ۸، قم، دار الحدیث.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، ج ۱۲، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مقاتل بن سلیمان (بلخی)، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث.
- میبیدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۹، تهران، امیرکبیر.

ب) مقاله ها

- آریان فر، مهدی، ۱۳۸۵، «پاداش رسالت»، *پژوهش های قرآنی*، ش ۴۶ و ۴۷، ص ۱۸۱- ۱۶۸، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۰، «پژوهشی در آیه مودت»، *معرفت*، ش ۴۸، ص ۶۸- ۶۳، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا و داود اسماعیلی، ۱۳۹۲، «تفسیر تحلیلی آیات پاداش رسالت»، *مطالعات تفسیری*، ش ۱۴، ص ۷۸- ۵۱، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- حائری، مرتضی، ۱۳۸۱، «تفسیر آیه مودت»، *آفاق نور*، ش ۱، ص ۱۵۶- ۱۳۹، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- مروتی، سهراب و عبدالجبار زرگوش نسب، ۱۳۸۸، «بررسی تطبیقی آیات مودت و تطهیر در روایات شیعه و اهل سنت»، *معرفت*، ش ۱۴۳، ص ۱۲۶- ۱۱۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.